

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

المُقَدِّمَةُ الأَمِيرِيَّةُ فِي فِقْهِ الشَّافِعِيَّةِ

گردآوری و ترجمه:

سید مسلم تخت‌دار

مدرسه امیریه

جزیره قشم – گیاهدان



انتشارات ایلاف

سرشناسه	: تخت‌دار، سید مسلم، ۱۲۶۰-، مترجم، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: المقدمه اللاميريه في فقه الشافعيه/گردآوری و ترجمه
مشخصات نشر	: سیدمسلم تخت‌دار.
مشخصات ظاهری	: شیراز: ایلاف، ۱۳۹۸.
شابک	: ۴۸ ص.
وضعیت فهرست نویسی	: 978-964-198-210-4
یادداشت	: فیبا
موضوع	: عربی.
موضوع	: فقه شافعی -- رساله عملیه
رده بندی کنگره	: Islamic law, Shafi'i -- Handbooks, manuals, etc*
رده بندی دیویی	: BP ۵/۱۷۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۹۷/۳۳۳
	: ۵۷۶۷۶۲۷



انتشارات ایلاف

شیراز، خیابان فردوسی، نیش کوچه ۱۲، ساختمان شماره ۱۹، طبقه همکف،

تلفن: ۰۷۱-۳۲۳۴۹۳۱۷-۰۷۱ همراه: ۰۹۱۷۷۰۲۳۱۷۵

نام کتاب: المقدمه اللاميريه في فقه الشافعيه

گردآوری و ترجمه: سید مسلم تخت‌دار نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۸

ویرایش: مجید احمدی شمارگان: ۲۰۰ نسخه

ناشر: ایلاف

طرح جلد: ثوبان احمدی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۸-۲۱۰-۴ ISBN: 978-964-198-210-4

فهرست

۷	مقدمه.....
۹	ارکان اسلام.....
۹	ارکان ایمان.....
۱۰	احکام آبها.....
۱۱	احکام غسل.....
۱۲	سنت مسواک.....
۱۳	احکام استنجاء.....
۱۴	وضوی کامل.....
۱۵	مبطلات وضو.....
۱۶	آنچه بر بی وضو حرام است.....
۱۷	انواع نجاسات.....
۱۸	اسباب تیمم.....
۱۸	فرائض تیمم.....
۱۹	مبطلات تیمم.....
۱۹	پوشیدن عورت.....
۲۰	عذرهای ترک نماز.....
۲۰	اذان و اقامه.....
۲۳	ارکان نماز.....
۲۴	صفت نماز کامل.....
۳۰	اذکار بعد از نمازهای فرض.....
۳۳	مبطلات نماز.....

۳۴.....	نماز جماعت.....
۳۷.....	سجود سهو.....
۳۷.....	سجود تلاوت.....
۳۸.....	سنت‌های قبله و بعدیه.....
۳۹.....	نماز وتر.....
۳۹.....	نمازهای سنت.....
۴۰.....	جمع نماز برای مسافر.....
۴۰.....	قصر نماز برای مسافر.....
۴۱.....	جمع نماز هنگام بارندگی.....
۴۱.....	حق میّت بر مسلمانان.....
۴۲.....	تعزیه به نزدیکان میّت.....
۴۲.....	روش گزاردن نماز میّت.....
۴۴.....	انواع احکام.....
۴۵.....	فرض عین و فرض کفایه.....

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ. أَمَّا بَعْدُ:

فَهَذَا مُخْتَصَرٌ فِي الْفِقْهِ مُشْتَمَلٌ عَلَى أَبْوَابِ الطَّهَارَاتِ
پس این مختصری است در فقه مشتمل است بر بابهای طهارات
وَالصَّلَوَاتِ عَلَى مَذَهَبِ الْإِمَامِ الشَّافِعِيِّ رَحْمَهُ اللَّهُ
و نمازها بر مذهب امام شافعی رحمت کند او را خداوند
جَمْعُهُ مِنْ أُمَّهَاتِ كُتُبِ الْمَذَهَبِ وَلِخِصَانِهِ
جمع کردیم آن را از کتابهای اصلی مذهب و خلاصه کردیم آن را
وَصَيَّرْنَا عِبَارَاتِهِ سَهْلَةً ، لِيَتَعَلَّمَ أَطْفَالُنَا
و گردانیدیم عبارات آن را آسان، تا که بیاموزند بچههای ما
أَحْكَامَ الْمُتَعَلِّقَةِ بِالصَّلَاةِ وَ لِيَتِمَّ كُنُوزُ مِنَ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ
احکام متعلق به نماز و تسلط یابند به لغت عربی
وَيَذُوقُوا حَلَاوَتَهَا لِأَنَّهَا لُغَةُ الْقُرْآنِ وَالسُّنَّةِ.
و بچشد شیرینی اش زیرا آن لغت قرآن و سنت است.
و سَمِّيْنَاهُ (الْمُقَدِّمَةُ الْأَمِيرِيَّةُ فِي فِقْهِ الشَّافِعِيَّةِ)
و نام نهادیم آن را «الْمُقَدِّمَةُ الْأَمِيرِيَّةُ فِي فِقْهِ الشَّافِعِيَّةِ»

وَسَأَلَ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَنْتَفِعَ الْجَمِيعُ بِهِ وَأَنْ يَتَقَبَّلَ
و می‌خواهیم از خداوند والا آنکه نفع ببرند همگی به آن و آنکه بپذیرد
أَعْمَالَنَا وَيُلْهِمَنَا الصَّوَابَ وَيَزِيدَنَا عِلْمًا نَافِعًا،
اعمالمان و الهام کند به ما قول صحیح را و بیفزاید به ما علمی سودمند،
إِنَّهُ كَرِيمٌ وَهَبٌ.
همانا که او بسیار بزرگوارِ بخشنده است.
و صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ
و صلوات فرستد خدا بر سرورمان محمد و بر خاندانش و یارانش و سلام فرستد.
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.
و ستایش برای خداست پروردگار جهانیان.

المدرسة الأميرية

۱۸ شوال ۱۴۳۸

مسلم بن السيد عبدالقادر

ارکان اسلام

أَرْكَانُ الْإِسْلَامِ خَمْسَةٌ:
ارکان اسلام پنج است:
شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ
گواهی دادن آنکه نیست معبودی جز الله. و آنکه محمد رسول خدا است،
وَ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءُ الزَّكَاةِ وَ صَوْمُ رَمَضَانَ
و برپا داشتن نماز و دادن زکات و روزهی رمضان
وَ حَجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا.
و حج خانه [کعبه] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد.

ارکان ایمان

أَرْكَانُ الْإِيمَانِ سِتَّةٌ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ
ارکان ایمان شش است: ایمان به خدا و فرشتگانش و کتابهایش
وَ رُسُلِهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَ شَرِّهِ.
و پیامبرانش و به روز آخرت و به قدر خیر آن و شر آن.

احکام آبها

الماء قَلِيلٌ وَكَثِيرٌ:
آب، کم و بسیار است:
فَالْقَلِيلُ مَادُونِ مِائَةٍ وَتِسْعِينَ لَيْتْرًا تَقْرِيبًا
پس آب کم، کم تر از صد و نود لیتر تقریباً است.
وَالْكَثِيرُ مِائَةٌ وَتِسْعُونَ لَيْتْرًا تَقْرِيبًا فَأَكْثَرُ.
و آب بسیار صد و نود لیتر است تقریباً یا بیش تر.
الْقَلِيلُ يَتَنَجَّسُ بِوُقُوعِ التَّجَاسَةِ فِيهِ وَإِنْ لَمْ يَتَغَيَّرْ،
آب کم نجس می شود به افتادن نجاست در آن و اگرهم تغییر نکند؛
وَالْكَثِيرُ لَا يَتَنَجَّسُ إِلَّا إِذَا تَغَيَّرَ
و آب بسیار نجس نمی شود مگر هرگاه تغییر کند
طَعْمُهُ أَوْ لَوْنُهُ أَوْ رِيحُهُ.
طعم آن یا رنگ آن یا بوی آن

احکام غسل

باب اول

فُرُوضُ الْغُسْلِ اِثْنَانِ: الْيَتِيَّةُ، تَعْمِيمُ الْبَدَنِ بِالْمَاءِ.
فروض‌های غسل دو است: نیت کردن، فراگیر کردن بدن با آب.

باب دوم

يُسَنُّ غُسْلُ الْجُمُعَةِ لِمَنْ يُرِيدُ حُضُورَهَا
سنت می‌شود غسل جمعه برای کسی که اراده می‌کند حضور در آن
وَيَدْخُلُ وَقْتُهُ مِنَ الْفَجْرِ وَ يُسَنُّ غُسْلُ الْعِيدَيْنِ
و داخل می‌شود وقت آن از صبح و سنت می‌شود غسل دو عید
وَيَدْخُلُ وَقْتُهُ بِنِصْفِ اللَّيْلِ، وَ يَجِبُ غُسْلُ الْمَيِّتِ.
و داخل می‌شود وقت آن به نصف شب، و واجب می‌شود غسل میت.

سنت مسواک

السَّوَاكُ مُسْتَحَبٌّ وَعِنْدَ تَغْيِيرِ الْفَمِ أَشَدُّ اسْتِحْبَابًا،

مسواک زدن سنت است و هنگام تغییر دهان، شدیدتر است سنت بودن آن.

تَفْضُلُ الصَّلَاةِ الَّتِي يُسْتَاكُ لَهَا عَلَيَّ

برتری می یابد نمازی که مسواک زده می شود برای آن بر

الصَّلَاةِ الَّتِي لَا يُسْتَاكُ لَهَا سَبْعِينَ ضِعْفًا.

نمازی که مسواک زده نمی شود برای آن هفتاد برابر.

احکام استنجاء

الإِسْتِنْجَاءُ وَاجِبٌ مِنَ الْبَوْلِ وَالْغَائِطِ وَالْأَفْضَلُ أَنْ
خود را پاک کردن واجب است از ادرار و مدفوع و بهتر است آنکه
يَسْتَنْجِي بِالْمَاءِ وَ يَجُوزُ بِثَلَاثَةِ أَحْجَارٍ
خود را پاک کند با آب و درست می شود به سه سنگ،
وَيُنَجِّي كُلَّ اسْمٍ مُعَظَّمٍ
و دور می کند هر اسم بزرگی را،
وَيَجْتَنِبُ اسْتِقْبَالَ الْقِبْلَةِ وَ اسْتِدْبَارَهَا فِي الصَّحْرَاءِ
و دوری می کند از رو کردن به قبله و پشت کردن به آن در صحرا
وَيَقُولُ عِنْدَ الدُّخُولِ:
و می گوید هنگام داخل شدن (به دستشویی):
بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ.
به نام الله، خدایا، همانا من پناه می برم به تو از شیاطین نر و شیاطین ماده.
وَ عِنْدَ الْخُرُوجِ: غُفْرَانَكَ؛
و هنگام خروج: آمرزشت را می خواهم؛
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذَى وَ عَافَانِي.
ستایش برای خدایی که دور کرد از من آزار و مرا سلامتی داد.

وضوی کامل

يُنَدَبُ قَوْلُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فِي أَوَّلِ الْوُضُوءِ
سَنَّتْ می شود گفتن: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در اول وضو
ثُمَّ قَوْلُ: نَوَيْتُ فَرَضَ الْوُضُوءِ ثُمَّ عَسَلُ الْكَفَّيْنِ
سپس گفتن: نیت می کنم فرض وضو، سپس شستن دو کف دست
ثُمَّ الْمُمَضَّةُ ثُمَّ الْأَسْتِنَاقُ ثُمَّ عَسَلُ الْوَجْهِ
سپس آب در دهان گردانیدن، سپس آب به بینی کشیدن، سپس شستن صورت
ثُمَّ عَسَلُ الْيَدَيْنِ مَعَ الْمِرْفَقَيْنِ ثُمَّ مَسْحُ بَعْضِ الرَّأْسِ
سپس شستن دو دست همراه دو آرنج، سپس مسح قسمتی از سر
وَالْأَفْضَلُ مَسْحُ جَمِيعِ الرَّأْسِ ثُمَّ مَسْحُ الْأُذُنَيْنِ ظَاهِرِهِمَا
و بهتر است مسح تمام سر سپس مسح دو گوش بیرون آن دو
و بَاطِنِهِمَا ثُمَّ عَسَلُ الرَّجْلَيْنِ إِلَى الْكَعْبَيْنِ كُلُّ ذَلِكَ
و درون آن دو، سپس شستن دو پا همراه دو قوزک، همه‌ی آن
ثَلَاثًا ثَلَاثًا ثُمَّ يَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ وَيَقُولُ: أَشْهَدُ أَنْ
سه بار سه بار، سپس رو می کند به قبله و می گوید: گواهی می دهم که
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ
نیست معبودی جز الله، یکتاست، نیست شریکی برای او و گواهی می دهم که

مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَرَسُولَهُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ
محمد بندهی او و فرستادهی اوست، خدایا، قرار ده مرا از توبه‌کنندگان
وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ
و قرار ده مرا از پاکان، پاک و منزهی خدایا، و به ستایشت مشغولم
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ
گواهی می‌دهم که نیست معبودی جز تو، آمرزشت را می‌خواهم
وَأَتُوبُ إِلَيْكَ.
و توبه می‌کنم به سویت.

مبطلات وضو

وَالَّذِي يَنْقُضُ الْوُضُوءَ سِتَّةَ أَشْيَاءَ:
و چیزی که باطل می‌کند وضو شش چیز است:
۱- مَا خَرَجَ مِنَ السَّبِيلَيْنِ
۱- آنچه خارج شود از دو راه
۲- وَالنَّوْمُ عَلَى غَيْرِ هَيْئَةِ الْمُتَمَكِّنِ
۲- و خواب بر غیر حالت محکم قرار گرفتن باسن بر زمین
۳- وَ زَوَالُ الْعَقْلِ بِسُكْرٍ أَوْ مَرَضٍ
۳- و از بین رفتن عقل به مستی یا مریضی

۴- وَلَمَسَ الرَّجُلِ الْمَرْأَةَ الْأَجْنَبِيَّةَ مِنْ غَيْرِ حَائِلٍ،
۴- و لمس کردن مرد زن بیگانه را بدون پرده
غَيْرَ الشَّعْرِ وَالظُّفْرِ وَالسِّنِّ
غیر مو و ناخن و دندان
۵- وَ مَسَّ فَرْجَ الْأَدَمِيِّ
۵- و دست زدن به شرمگاه جلو انسان
۶- وَ مَسَّ حَلْقَةَ دُبُرِهِ بِبَاطِنِ الْكَفِّ
۶- و دست زدن به حلقه‌ی پشتش به داخل کف دست

آنچه بر بی‌وضو حرام است

يَحْرُمُ عَلَى الْمُحَدِّثِ ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءَ:
حرام می‌شود بر بی‌وضو سه چیز:
۱- الصَّلَاةُ
۱- نماز
۲- وَالطَّوَافُ
۲- طواف خانه‌ی خدا
۳- وَ مَسَّ الْمُصْحَفِ وَحَمَلُهُ.
۳- و دست زدن به قرآن و حمل آن

انواع نجاسات

<p>النَّجَاسَاتُ ثَلَاثٌ: ١- مُعَلَّظَةٌ ٢- مُخَفَّفَةٌ ٣- مُتَوَسِّطَةٌ</p>
<p>نجاسات سه گونه‌اند: ١- غلیظ ٢- خفیف ٣- متوسط</p>
<p>فَالْمُعَلَّظَةُ نَجَاسَةُ الْكَلْبِ وَالْخِنْزِيرِ وَفَرَعُ أَحَدِهِمَا،</p>
<p>پس معلّظه: نجاست سگ و خوک و فرع یکی از آن دو است،</p>
<p>وَهِيَ تَطْهَرُ بِسَبْعِ غَسَلَاتٍ إِحْدَاهُنَّ بِتُرَابٍ،</p>
<p>و آن پاک می‌شود به هفت بار شستن یکی از آن‌ها با خاک،</p>
<p>وَالْمُخَفَّفَةُ بَوْلُ الصَّيِّ الَّذِي لَمْ يَطْعَمْ غَيْرَ اللَّبَنِ</p>
<p>و مخفّفه ادرار پسربچه‌ای که نخورده است غیر شیر</p>
<p>وَلَمْ يَبْلُغِ الْحَوْلَيْنِ، فَإِنَّهَا تَطْهَرُ بِرَشِّ الْمَاءِ عَلَيْهَا،</p>
<p>و نرسیده است به دو سال، پس همانا آن پاک می‌شود به پاشاندن آب بر آن،</p>
<p>وَالْمَتَوَسِّطَةُ سَائِرُ النَّجَاسَاتِ تَطْهَرُ بِغَسَلِهَا مَرَّةً وَاحِدَةً.</p>
<p>و متوسطه سایر نجاسات است پاک می‌شود به شستن آن یک بار</p>

اسباب تیمم

أسباب التيمم ثلاثة:
سببهای تیمم سه است:
۱- فَقْدُ الْمَاءِ ۲- وَالْمَرَضُ
۱- نبودن آب ۲- و مریضی
۳- وَالْإِحْتِيَاجُ إِلَيْهِ لِعَطَشٍ ذِي رُوحٍ مُحْتَرَمٍ.
۳- و احتیاج به آن برای تشنگی صاحب روح محترم.

فرائض تیمم

فرائض التيمم أربعة:
فرضهای تیمم چهار است:
۱- النَّيَّةُ
۱- نیت کردن
۲- وَمَسْحُ الْوَجْهِ
۲- و مسح صورت
۳- وَمَسْحُ الْيَدَيْنِ مَعَ الْمِرْفَقَيْنِ
۳- و مسح دو دست همراه دو آرنج
۴- وَالترتيبُ.
۴- و ترتیب

مبطلات تیمم

وَالَّذِي يُبْطِلُ التَّيْمَمَ ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ:
و آنچه باطل می‌کند تیمم را سه چیز است:
۱- مَا أَبْطَلَ الْوُضُوءَ
۱- آنچه باطل می‌کند وضو را
۲- وَرُؤْيَا الْمَاءِ قَبْلَ الدُّخُولِ فِي الصَّلَاةِ
۲- و دیدن آب قبل از داخل شدن در نماز
۳- وَالرَّدَّةُ.
۳- و کافر شدن

پوشیدن عورت

عَوْرَةُ الرَّجُلِ فِي الصَّلَاةِ وَعَیْرِهَا مَا بَيْنَ السَّرَّةِ وَالرُّكْبَةِ
عورت مرد در نماز و غیر آن ما بین ناف و زانو هست.
عَوْرَةُ الْمَرْأَةِ فِي الصَّلَاةِ جَمِيعُ بَدَنِهَا مَا سِوَى الْوَجْهِ
عورت زن در نماز تمام بدنش غیر از صورت
وَالْكَفَّيْنِ. وَ عَوْرَةُ الْمَرْأَةِ عِنْدَ الْأَجَانِبِ جَمِيعُ الْبَدَنِ
و دو کف دست است. و عورت زن نزد بیگانگان تمام بدن است.
وَ عِنْدَ مُحَارِمِهَا وَ النِّسَاءِ مَا بَيْنَ السَّرَّةِ وَ الرُّكْبَةِ.
و نزد محرم‌هایش و زنان ما بین ناف و زانو است.

عذرهای ترک نماز

أَعذارُ تَرَكَ الصَّلَاةِ اثْنانِ: ١- النَّوْمُ ٢- النَّسيانُ

عذرهای ترک نماز دو است: ١- خواب ٢- فراموشی

اذان و اقامه

باب اول: کلمات اذان

اللهُ أَكْبَرُ	اللهُ أَكْبَرُ	اللهُ أَكْبَرُ	اللهُ أَكْبَرُ
الله بزرگتر است، الله بزرگتر است الله بزرگتر است، الله بزرگتر است			
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ			
گواهی می‌دهم که نیست معبودی جزالله، گواهی می‌دهم که نیست معبودی جزالله			
أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ			
گواهی می‌دهم که محمد رسول خداست گواهی می‌دهم که محمد رسول خداست			
حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ			
بشتابید به سوی نماز بشتابید به سوی نماز			
حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ			
بشتابید به سوی رستگاری بشتابید به سوی رستگاری			
اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ			
الله بزرگتر است، الله بزرگتر است			

لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
نیست معبودی جز الله
وَيُسْنُّ لِسَامِعِ الْأَذَانِ مِثْلُ قَوْلِ الْمُؤَذِّنِ وَفِي حَيْعَلَتَيْنِ
و سنت می شود برای شنونده ی اذان مانند گفتار مؤذن و در حیعلتین ^۱
يَقُولُ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.
می گوید: نیست توانی و نیست نیرویی جز به کمک خدا.
وَيُنْدَبُ بَعْدَ فَرَاغِ الْأَذَانِ:
و سنت می شود بعد از پایان اذان:
اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
خدایا، درود بفرست و سلام بفرست بر سرورمان محمد
وَعَلَى آلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ،
و بر آل سرورمان محمد، خدایا، پروردگار این دعوت کامل
وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ، آتِ سَيِّدَنَا مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ،
و نماز بر پا شده، بده سرورمان محمد را [مقام] وسیلت و فضیلت
وَابْعَثْهُ مَقَامًا مُحَمَّدًا الَّذِي وَعَدْتَهُ.
و برسان او را به مقام ستوده شده ای که وعده دادی او را.

۱. حیعلتین: حَى عَلَى الصَّلَاةِ وَحَى عَلَى الْفَلَاحِ

باب دوم: کلمات اقامه

اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ
الله بزرگ‌تر است، الله بزرگ‌تر است
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ
گواهی می‌دهم که نیست معبودی جز الله،
أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ
گواهی می‌دهم که محمد رسول خدا است
حَتَّىٰ عَلَى الصَّلَاةِ حَتَّىٰ عَلَى الْفَلَاحِ
بشتابید بر نماز بشتابید بر رستگاری
قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ
همانا بر پا شده است نماز همانا بر پا شده است نماز
اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ
الله بزرگ‌تر است الله بزرگ‌تر است
لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ
نیست معبودی جز الله،

ارکان نماز

أَرْكَانُ الصَّلَاةِ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ:
ارکان نماز سیزده است:
۱- النَّيَّةُ ۲- تَكْبِيرَةُ الْإِحْرَامِ ۳- الْقِيَامُ عَلَى الْقَادِرِ فِي الْفَرَضِ
۱- نیت کردن ۲- تکبیره الاحرام ۳- ایستادن بر توانا در نماز فرض
۴- قِرَاءَةُ الْفَاتِحَةِ ۵- الرُّكُوعُ وَالطُّمَأْنِينَةُ فِيهِ ۶- الْإِعْتِدَالُ
۴- خواندن فاتحه ۵- رکوع کردن و آرام گرفتن در آن ۶- اعتدال
وَالطُّمَأْنِينَةُ فِيهِ ۷- السُّجُودُ مَرَّتَيْنِ وَالطُّمَأْنِينَةُ فِيهِمَا
و آرام گرفتن در آن ۷- سجود کردن دو بار و آرام گرفتن در آن دو
۸- الْجُلُوسُ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ وَالطُّمَأْنِينَةُ فِيهِ
۸- نشستن بین دو سجده و آرام گرفتن در آن
۹- التَّشَهُدُ الْأَخِيرُ ۱۰- الْقُعُودُ فِيهِ
۹- تشهد آخر ۱۰- نشستن در آن
۱۱- الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيهِ
۱۱- صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم در آن
۱۲- التَّسْلِيمَةُ الْأُولَى ۱۳- التَّرْتِيبُ
۱۲- سلام دادن اولی ۱۳- ترتیب

صفت نماز کامل

يُنْدَبُ	الْوُقُوفُ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ وَتَسْوِيَةُ الصُّفُوفِ
سنت می شود ایستادن در صف اول و برابر کردن صفها	
وَأْتِمَامُ	الصَّفِّ الْأَوَّلِ، وَجِهَةٌ يَمِينُ الْإِمَامِ أَفْضَلُ
و کامل کردن صف اول، و سمت راست امام بهتر است.	
ثُمَّ يَنْوِي وَيَقُولُ: «أَصَلِّي فَرَضَ الصُّبْحِ، اللَّهُ أَكْبَرُ.»	
سپس نیت می کند و می گوید: «نماز می گزارم فرض صبح، الله اکبر.»	
وَإِنْ كَانَ مَأْمُومًا، يَقُولُ: «أَصَلِّي فَرَضَ الصُّبْحِ مَأْمُومًا	
و اگر بود مأموم، می گوید: «نماز می گزارم فرض صبح به عنوان مأموم،	
اللَّهُ أَكْبَرُ.» وَإِنْ كَانَ إِمَامًا، يَقُولُ: «أَصَلِّي فَرَضَ	
الله اکبر.» و اگر بود امام، می گوید: نماز می گزارم فرض	
الصُّبْحِ إِمَامًا، اللَّهُ أَكْبَرُ.» ثُمَّ يَقْرَأُ دُعَاءَ الْإِسْتِفْتَاكِ:	
صبح به عنوان امام، الله اکبر.» سپس می خواند دعای استفتاح:	
«وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ	
«جهت دادم چهره ام برای کسی که آفرید آسمانها و زمین	
حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي	
حقیقرا و مسلمانم و نیستم من از مشرکان، همانا نمازم و عباداتم	
وَحَيَايَ وَتَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ	
و زندگانیم و مرگم برای خدا است، پروردگار جهانیان، نیست شریکی برای او	

وَبِذَلِكَ أَمَرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ. اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ
و به آن فرمان یافته‌ام و من از مسلمانانم. خدایا، دور کن میان من و میان
خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ. ثُمَّ يَقُولُ:
گناهانم چنانکه دور کردی میان مشرق و مغرب. سپس می‌گوید:
«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» نَذْبًا ثُمَّ يَقْرَأُ
«پناه می‌برم به خدا از شیطان رانده‌شده» از روی سنت، سپس می‌خواند
سُورَةَ الْفَاتِحَةِ مَعَ الْبَسْمَلَةِ وَجُوبًا ثُمَّ يَقْرَأُ سُورَةَ
سوره‌ی فاتحه همراه بسمله ^۱ از روی وجوب، سپس می‌خواند سوره‌ی
مِنَ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ نَذْبًا ثُمَّ يَقُولُ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» وَ يَرْكَعُ
از قرآن کریم از روی سنت، سپس می‌گوید: «الله اکبر» و رکوع می‌کند
وَيَقُولُ فِي رُكُوعِهِ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»
و می‌گوید در رکوعش: «پاک است پروردگار بزرگم و به ستایشش [مشغولم].»
ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ وَيَقُولُ فِي إِعْتِدَالِهِ:
سه بار سپس بالا می‌آورد سرش و می‌گوید در اعتدالش:
«سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، مِلْءَ
«شنید خدا از کسی که ستودش، پروردگارا، برای تو است ستایش، به پری
السَّمَاوَاتِ وَمِلْءَ الْأَرْضِ وَمِلْءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ.»
آسمان‌ها و به پری زمین و به پری آنچه خواستی از چیزی بعد [از آن].»

^۱ مخفف بسم الله الرحمن الرحيم

أَوْ يَقُولُ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ،
یا می‌گوید: «شنید خدا از کسی که ستودش، پروردگارا، برای تو است ستایش،
حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ.»
ستایشی بسیار، پاک، برکت داده شده در آن.»
ثُمَّ يُكَبِّرُ وَيَسْجُدُ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظُمِ:
سپس تکبیر می‌گوید و سجود می‌کند بر هفت استخوان (عضو):
الْجَبْهَةَ وَالْيَدَيْنِ وَالرُّكْبَتَيْنِ وَأَطْرَافِ الْقَدَمَيْنِ.
پیشانی و دودست و دو زانو و اطراف دو قدم.
وَيَقُولُ فِي سُجُودِهِ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ وَبِحَمْدِهِ.»
و می‌گوید در سجودش: «پاک است پروردگار بلندمرتبه‌ام و به ستایشش [مشغولم].»
ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ وَ يَجْلِسُ مُفْتَرِشًا وَ يَقُولُ:
سپس بالا می‌آورد سرش و می‌نشیند در حالت افتراش و می‌گوید:
«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاجْبُرْنِي
«خدایا، ببامرز برای من و رحم کن مرا و [کوتهایم] را جبران کن
وَاهْدِنِي وَارْزُقْنِي وَارْفَعْنِي وَ عَافِنِي.»
و هدایت کن مرا و روزی ده مرا و سرافراز کن مرا و سلامت دار مرا.»
ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَةً أُخْرَىٰ مِثْلَ الْأُولَىٰ
سپس سجده می‌کند سجده‌ای دیگر مانند اولی
ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ مُكَبِّرًا إِلَىٰ أَنْ يَقُومَ،
سپس بالای‌آورد سرش را تکبیرگویان تا اینکه بایستد،

ثُمَّ يُتِمُّ الرَّكْعَةَ الثَّانِيَةَ كَالأُولَى إِلَّا أَنَّهُ
سپس کامل می‌کند رکعت دوم مانند اولی مگر این‌که
لَا تَكُونُ فِيهَا النَّيَّةُ وَتَكْبِيرَةُ الإِحْرَامِ وَالِإِسْتِفْتَا حُ
نمی‌باشد در آن نیت و تکبیرة الاحرام و [دعای] استفتاح
وَيَجْلِسُ فِي آخِرِ صَلَاتِهِ لِلتَّشْهَدِ مُتَوَرِّكًا وَيَقُولُ:
و می‌نشیند در آخر نمازش برای تشهد در حالت تَوَرُّك و می‌گوید:
«التَّحِيَّاتُ الْمُبَارَكَاتُ، الصَّلَوَاتُ الطَّيِّبَاتُ لِلَّهِ
» درودهای با برکت، نمازهای پاک برای خدا است؛
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
سلام بر تو ای پیامبر و رحمت خدا و برکاتش،
السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ
سلام بر ما و بر بندگان نیکوکار خدا گواهی می‌دهم
أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ
آنکه نیست معبودی جز الله و گواهی می‌دهم آنکه محمد رسول خدا است.
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ
خدایا، درود بفرست بر محمد و بر آل محمد چنان‌که درود فرستادی بر ابراهیم
وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا
و بر آل ابراهیم و برکت بفرست بر محمد و بر آل محمد چنان‌که

بَارَكْتَ	عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ،
برکت فرستادی	بر ابراهیم و بر آل ابراهیم،
فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ.	
در جهانیان	همانا تو ستوده و بزرگواری.»
وَيُنذَبُ بَعْدَهُ الدُّعَاءُ بِمَا يَجُوزُ مِنْ أَمْرِ الدِّينِ وَالْدُّنْيَا	
و سنت می‌شود بعد از آن دعا	به آنچه درست است از امر دین و دنیا
وَ مِنْ أَفْضَلِهِ:	
و از بهترین آن:	
«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ عَذَابِ	
«خدایا، همانا من پناه می‌برم به تو از عذاب	قبر و از عذاب
النَّارِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ.»	
دوزخ و از فتنه‌ی زندگانی و مرگ و از بدی فتنه‌ی دجال	یک چشم.»
ثُمَّ يُسَلِّمُ تَسْلِيمَتَيْنِ وَأَكْمَلُهُ:	
سپس سلام می‌دهد	دو سلام و کامل‌ترینش:
«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.»	
«سلام بر شما	باد و رحمت خدا.»
وَإِنْ كَانَتْ الصَّلَاةُ صَلَاةَ الصُّبْحِ	
و اگر بود نماز،	نماز صبح
يَقْنُتُ فِي اعْتِدَالِ الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ	
قنوت می‌خواند در اعتدال	رکعت دوم

فَيَقُولُ: «اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ،
و می‌گوید: «خدایا، هدایت کن در زمره‌ی کسانی که هدایت کرده‌ای [آنان را]
وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ
و سلامتی بده مرا در زمره‌ی کسانی که سلامتی داده‌ای [آنان را]
وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ
و دوستم بدار در زمره‌ی کسانی که دوست داشته‌ای [آنان را]
وَبَارِكْ لِي فِي مَا أُعْطَيْتَ
و برکت قرار ده برای من در آنچه که عطا کرده‌ای
وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ
و حفظ نما مرا، از شر آنچه حکم نموده‌ای؛
إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَىٰ عَلَيْكَ
همانا تو حکم می‌کنی و حکم نمی‌شود بر تو؛
وَأِنَّهُ لَا يَدُلُّ مَنْ وَاَلَيْتَ
و همانا خوار نمی‌گردد کسی که تو دوست بداری او را؛
وَلَا يَعِزُّ مَنْ عَادَيْتَ
و عزت نمی‌یابد کسی که تو دشمن بداری او را
تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ
پربرکتی پروردگارا، و بلندمرتبه‌ای
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ.
و درود فرستد خدا بر سرورمان محمد و بر آل او و یاران او و سلام فرستد.

اذکار بعد از نمازهای فرض

<p style="color: green; font-size: 1.2em;">يَقُولُ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنَ الصَّلَاةِ:</p>
<p>می‌گوید بعد از فارغ شدن از نماز:</p>
<p style="color: green; font-size: 1.2em;">۱- اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ (ثَلَاثَ مَرَاتٍ)</p>
<p>۱- آمرزش می‌خواهم از خدا (سه بار)</p>
<p style="color: green; font-size: 1.2em;">۲- اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.</p>
<p>۲- خدایا، تو سلامی و از توست سلامتی، پربرکتی ای صاحب شکوه و بزرگواری.</p>
<p style="color: green; font-size: 1.2em;">۳- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ</p>
<p>۳- نیست معبودی جز الله، یکتاست او، نیست شریکی برای او، برای اوست فرمانروایی</p>
<p style="color: green; font-size: 1.2em;">وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.</p>
<p>و برای اوست ستایش، زنده می‌گرداند و می‌میراند و او بر هر چیزی تواناست.</p>
<p style="color: green; font-size: 1.2em;">بَعْدَ صَلَاةِ الصُّبْحِ وَالْعَصْرِ وَالْمَغْرِبِ عَشْرَ مَرَاتٍ، وَبَعْدَ صَلَاةِ</p>
<p>بعد از نماز صبح و عصر و مغرب ده بار، و بعد از نماز</p>
<p style="color: green; font-size: 1.2em;">الظُّهْرِ وَالْعِشَاءِ مَرَّةً وَاحِدَةً.</p>
<p>ظهر و عشاء یک بار.</p>
<p style="color: green; font-size: 1.2em;">۴- لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،</p>
<p>۴- نیست توان و نیست نیرویی جز به [کمک] الله، نیست معبودی جز الله،</p>
<p style="color: green; font-size: 1.2em;">وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، لَهُ التَّعْمَةُ وَ لَهُ الْفَضْلُ،</p>
<p>و نمی‌پرستیم جز او را، برای اوست نعمت و برای اوست فضل،</p>

وَلَهُ الشَّانُ الْحَسَنُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
و برای اوست ثنای نیکو، نیست معبودی جز الله،
مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ.
مخلصانه [گردانندیم] برای او دین و گرچه بد بدارند کافران.
هـ- آيَةُ الْكُرْسِيِّ (البقرة: ۲۵۵)
اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
الله (است که) نیست خدایی جز او، زنده‌ی برپادارنده‌ی (جهان) است.
لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ
فرانمی‌گیرد او را چرت و نه خواب. برای اوست آنچه در آسمان‌ها هست،
وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ
و آنچه در زمین هست، کیست کسی که شفاعت کند نزد او جز با اجازه‌ی او؟
يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ
می‌داند آنچه را پیش رویشان و آنچه پشت سرشان هست، و احاطه نمی‌یابند
بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ
به چیزی از علم او مگر به آنچه بخواهد. فراگرفته، کرسی (فرمانروایی) او
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ
آسمان‌ها و زمین را، و خسته‌اش نمی‌کند نگه‌داری آن دو، و او
الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ.
بلندمرتبه‌ی بزرگ است.

<p>۶- سُبْحَانَ اللَّهِ (۳۳ مَرَّات) الْحَمْدُ لِلَّهِ (۳۳ مَرَّات)، اللَّهُ أَكْبَرُ (۳۳ مَرَّات)</p>
<p>ثُمَّ يَقُولُ:</p>
<p>سپس می گوید:</p>
<p>لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ،</p>
<p>نیست معبودی جز الله، یکتاست او، نیست شریکی برای او،</p>
<p>لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ</p>
<p>برای اوست فرمانروایی و برای اوست ستایش، زنده می گرداند و می میراند</p>
<p>وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.</p>
<p>و او بر هر چیزی توانا است.</p>
<p>۷- يَقْرَأُ سُورَةَ الْإِخْلَاصِ وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ بَعْدَ صَلَاةِ الصُّبْحِ وَالْمَغْرِبِ</p>
<p>۷- می خواند سوره ای اخلاص و معوذتین بعد از نماز صبح و مغرب</p>
<p>ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، وَبَعْدَ بَاقِي الصَّلَوَاتِ مَرَّةً.</p>
<p>سه بار، و بعد از باقی نمازها یک بار.</p>
<p>۸- ثُمَّ يَدْعُو بِمَا شَاءَ مِنْ أَمْرِ دِينِهِ وَدُنْيَاهُ.</p>
<p>۸- سپس دعا می کند به آنچه بخواهد از امر دینش و دنیایش.</p>

مبطلات نماز

باب اول

وَالَّذِي يُبْطِلُ الصَّلَاةَ أَحَدَ عَشَرَ شَيْئًا:
و چیزی که باطل می کند نماز را یازده چیز است:
۱- الْكَلَامُ الْعَمْدُ ۲- الْعَمَلُ الْكَثِيرُ ۳- الْحَدَثُ
۱- سخن به عمد ۲- عمل زیاد ۳- بی وضویی
۴- حُدُوثُ التَّجَاسَةِ ۵- انْكِشَافُ الْعَوْرَةِ ۶- تَغْيِيرُ النَّيَّةِ
۴- حادث شدن نجاست ۵- پیداشدن عورت ۶- تغییر نیت
۷- الْقَهْقَهَةُ ۸- الرَّدَّةُ ۹- الْأَكْلُ ۱۰- الشُّرْبُ
۷- خندیدن ۸- کفر ورزیدن ۹- خوردن ۱۰- آشامیدن
۱۱- التَّحَوُّلُ عَنِ الْقِبْلَةِ.
۱۱- چرخ خوردن از قبله

باب دوم

وَأَنْتَ نَسِيَ التَّشَهُدَ الْأَوَّلَ فَذَكَرَهُ
و اگر فراموش کرد تشهد اول را پس به یاد آورد آن را
بَعْدَ انْتِصَابِهِ حَرَمَ الْعَوْدُ إِلَيْهِ
بعد از راست ایستادنش حرام است برگشتن به سوی آن،

فَإِنْ عَادَ بَطَلَتْ صَلَاتُهُ.
پس اگر برگردد باطل است نمازش.
وَلَوْ نَسِيَ الْقُنُوتَ فِي الصُّبْحِ وَوَضَعَ جَبْهَتَهُ بِالْأَرْضِ
و اگر فراموش کرد قنوت در [نماز] صبح و گذاشت پیشانی‌اش به زمین
حَرَمَ الْعُودُ إِلَيْهِ فَإِنْ عَادَ بَطَلَتْ صَلَاتُهُ.
حرام است برگشتن به سوی آن، پس اگر برگشت باطل است نمازش.

نماز جماعت

باب اوّل

السُّنَّةُ أَنْ يَقِفَ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ عَنْ يَمِينِ الْإِمَامِ فَإِنْ جَاءَ
سُنَّتْ است آنکه بایستد مرد تنها از راست امام، پس اگر آمد
آخِرُ أَحْرَمَ عَنْ يَسَارِ الْإِمَامِ ثُمَّ يَتَأَخَّرَانِ
دیگری، تکبیرة الاحرام می‌گوید از چپ امام، سپس به عقب می‌روند
إِنْ أَمْكَنَ وَإِلَّا تَقَدَّمَ الْإِمَامُ.
اگر ممکن شد و اگر نه، جلو می‌رود امام.

باب دوم

<p>وَلَوْ وَجَدَ الْإِمَامَ رَاكِعًا نَوَىٰ وَكَبَّرَ لِلْإِحْرَامِ</p>
<p>و اگر بیابد امام را در حال رکوع نیت می کند و تکبیر می گوید برای احرام</p>
<p>وَلَا يَقْرَأُ شَيْئًا مِنَ الْفَاتِحَةِ وَلَا غَيْرِهَا ثُمَّ كَبَّرَ لِلرُّكُوعِ</p>
<p>و نمی خواند چیزی از فاتحه و نه غیر آن، سپس تکبیر می گوید برای رکوع،</p>
<p>فَإِنْ وَافَقَ الْإِمَامَ فِي الرُّكُوعِ أَجْزَأُهُ</p>
<p>پس اگر موافقت کرد با امام در رکوع کفایت می کند او را</p>
<p>وَإِلَّا فَلَا رَكْعَةَ لَهُ.</p>
<p>و اگر نه پس نیست رکعتی برای او.</p>
<p>وَلَوْ وَجَدَ الْإِمَامَ فِي الْقِيَامِ فَكَبَّرَ وَقَرَأَ بَعْضَ الْفَاتِحَةِ</p>
<p>و اگر بیابد امام را در قیام پس تکبیر گفت و خواند بعضی از فاتحه</p>
<p>وَإِلْمَامُ كَبَّرَ لِلرُّكُوعِ يَقْطَعُ قِرَاءَةَ الْفَاتِحَةِ وَ يَلْحَقُ</p>
<p>و امام تکبیر گفت برای رکوع قطع می کند قرائت فاتحه و ملحق می شود</p>
<p>بِإِمَامِهِ فِي الرُّكُوعِ فَإِنْ لَمْ يَقْطَعِ الْفَاتِحَةَ وَاعْتَدَلَ الْإِمَامُ</p>
<p>به امامش در رکوع، پس اگر قطع نکرد فاتحه را و راست ایستاد امام</p>
<p>وَ هُوَ لَمْ يَرْكَعْ بَعْدُ لَمْ تُحْسَبْ لَهُ تِلْكَ الرَّكْعَةُ.</p>
<p>و او رکوع نکرده است هنوز، محسوب نمی شود برای او آن رکعت.</p>

باب سوم

إِذَا جَاءَ الْمَسْبُوقُ وَ الْإِمَامُ يَسْجُدُ أَوْ يَتَشَهَّدُ كَبَّرَ
هرگاه آمد مسبوق و امام سجده می کند یا تشهد می خواند، تکبیر می گوید
لِلْإِحْرَامِ فَقَطْ وَلَا يُكَبِّرُ لِلْسُّجُودِ أَوْ الْجُلُوسِ
برای إحرام آوردن فقط و تکبیر نمی گوید برای سجود یا نشستن
وَإِذَا سَلَّمَ الْإِمَامُ قَامَ الْمَسْبُوقُ مُكَبِّرًا
و هرگاه سلام داد امام، می ایستد مسبوق تکبیرگویان
إِنْ كَانَ مَوْضِعَ جُلُوسِهِ وَإِلَّا فَلَا.
اگر بود جای نشستن او، و اگر نه، پس نه.

باب چهارم

تَصِحُّ قُدُوءُ رَجُلٍ بِرَجُلٍ وَقُدُوءُ امْرَأَةٍ بِرَجُلٍ
صحیح می شود اقتدای مرد به مرد و اقتدای زن به مرد
وَقُدُوءُ امْرَأَةٍ بِامْرَأَةٍ وَلَا تَصِحُّ قُدُوءُ رَجُلٍ بِامْرَأَةٍ.
و اقتدای زن به زن و صحیح نمی شود اقتدای مرد به زن.

سجود سهو

سُجُودُ السَّهْوِ سُنَّةٌ وَمَحَلُّهُ قَبْلَ السَّلَامِ وَلَوْ شَكَ
سجود سهو سنت است و محل آن قبل از سلام است. و اگر شک کرد
هَلْ صَلَّى ثَلَاثًا أَوْ أَرْبَعًا، بَنَى عَلَى أَنَّهُ
آیا نماز گزارد سه یا چهار [رکعت]، بنا می‌گذارد بر آنکه او
لَمْ يَفْعَلْهُ وَيَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ لِلْسَّهْوِ
آن را انجام نداده است و سجده می‌کند دوسجده برای اشتباه،
وَلَوْ تَرَكَ التَّشَهُدَ الْأَوَّلَ أَوْ الْقُنُوتَ، يَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ لِسَّهْوِ.
و اگر ترک کرد تشهد اول یا قنوت، سجد می‌کند دوسجده برای اشتباه.

سجود تلاوت

سُجُودُ التَّلَاوَةِ سُنَّةٌ.
سجود تلاوت سنت است.
إِنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي الصَّلَاةِ وَمَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا سَجْدَةٌ
اگر خواند قرآن در نماز و گذشت به آیه‌ای که در آن سجده هست
يُكَبِّرُ وَلَا يَرْفَعُ يَدَيْهِ وَ يَسْجُدُ ثُمَّ يَقُومُ
تکبیر می‌گوید و بالانمی‌برد دو دستش و سجده می‌کند سپس بلند می‌شود

مُكَبِّرًا، وَمَنْ سَجَدَ خَارِجَ الصَّلَاةِ نَوَى
تکبیرگویان، و کسی که سجده کرد خارج نماز، نیت می کند
وَ كَبَّرَ لِلْإِحْرَامِ رَافِعًا يَدَيْهِ ثُمَّ كَبَّرَ
و تکبیر می گوید برای احرام درحالی که بالا برده دودستش، سپس تکبیر می گوید
لِلْهُوِيِّ وَ سَجَدَ وَ رَفَعَ مُكَبِّرًا وَ سَلَّمَ.
برای پایین رفتن و سجده می کند و بالا می آید تکبیرگویان و سلام می دهد.
يَقُولُ فِي سُجُودِهِ: «سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ
می گوید در سجودش: «سجده کرد چهره ام برای کسی که آفرید او را
وَ صَوَّرَهُ وَ شَقَّى سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ بِحَوْلِهِ وَ قُوَّتِهِ.»
و صورت داد او را و شکافت [راه] شنوایی اش و بینایی اش را به توان و نیرویش.»

سنت های قبلیه و بعدیه

وَالسُّنُّ التَّابِعَةُ لِلْفَرَائِضِ ثَمَانِي عَشْرَةَ رُكْعَةً:
و سنت های تابع برای فرض هجده رکعت است:
رُكْعَتَا الْفَجْرِ وَارْبَعٌ قَبْلَ الظُّهْرِ وَارْبَعٌ بَعْدَهُ
دو رکعت صبح و چهار رکعت قبل از ظهر و چهار رکعت بعد از آن
وَارْبَعٌ قَبْلَ الْعَصْرِ وَرُكْعَتَانِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ وَرُكْعَتَانِ بَعْدَ الْعِشَاءِ.
و چهار رکعت قبل از عصر و دو رکعت بعد از مغرب و دو رکعت بعد از عشاء

نماز وتر

أَقْلُّ	الْوَتْرِ	رَكْعَةً	وَأَوْسَطُهُ	ثَلَاثُ	رَكَعَاتٍ
کمترین	وتر	یک رکعت	و متوسط آن	سه	رکعت
وَأَكْثَرُهُ	إِحْدَى	عَشْرَةَ	رَكْعَةً.		
و بیشترین آن	یازده	رکعت	است.		
إِنْ	أَرَادَ	أَنْ	يُصَلِّيَ	ثَلَاثَ	رَكَعَاتٍ
اگر خواست	آنکه	نماز	بگذارد	سه	رکعت،
فِي	الْأُولَى:				
پس می خواند	در رکعت اول:				
سَبِّحْ	اسْمَ	رَبِّكَ	الْأَعْلَى،	و فِي	الثَّانِيَةِ:
سَبِّحْ	اسْمَ	رَبِّكَ	الْأَعْلَى،	و در	دومی:
قُلْ	يَا	أَيُّهَا	الْكَافِرُونَ		
قُلْ	يَا	أَيُّهَا	الْكَافِرُونَ		
و فِي	الثَّالِثَةِ:	الإِخْلَاصَ	وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ.		
و در	سومی:	اخلاص	و معوذتین.		

نمازهای سنت

يُنْدَبُ	صَلَاةُ	الْعِيدَيْنِ	وَالْكُسُوفَيْنِ	وَالْإِسْتِسْقَاءِ	وَالْتَّرَاوِيحِ
سنت می شود	نماز	دوعید	و گرفتگی خورشید و ماه	و نماز طلب باران	و تراویح
جَمَاعَةً.	التَّرَاوِيحُ	عِشْرُونَ	رَكْعَةً.	وَيُسَلِّمُ	فِي كُلِّ
با جماعت.	تراویح	بیست	رکعت است.	و سلام می دهد	در هر دو رکعت.
يُنْدَبُ	رَكَعَتَانِ	بَعْدَ	الْوُضُوءِ	وَصَلَاةِ	التَّسْبِيحِ.
سنت می شود	دو رکعت	بعد از	وضو	و نماز	تسبیح.

وَالضُّحَىٰ وَالتَّهَجُّدِ وَالِاسْتِخَارَةَ وَتَحِيَّةَ الْمَسْجِدِ.

و ضحی و نماز شب و نماز استخاره و نماز تحیت مسجد.

جمع نماز برای مسافر

يَجُوزُ لِلْمُسَافِرِ أَنْ يَجْمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ

درست می شود برای مسافر آنکه جمع کند بین ظهر و عصر

فِي وَقْتِ أَيَّهِمَا شَاءَ

در وقت هر کدام از آن دو که بخواهد

وَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ فِي وَقْتِ أَيَّهِمَا شَاءَ.

و بین مغرب و عشاء در وقت هر کدام از آن دو که بخواهد.

قصر نماز برای مسافر

شُرُوطُ الْقَصْرِ خَمْسَةٌ:

شرطهای قصر پنج است:

أَنْ يَكُونَ سَفْرُهُ وَاحِدًا وَثَمَانِينَ كَيْلُومِتْرًا تَقْرِيْبًا وَأَنْ يَكُونَ

آنکه باشد سفرش هشتاد و یک کیلومتر تقریباً و آنکه باشد

سَفْرُهُ فِي غَيْرِ مَعْصِيَةٍ وَأَنْ يَكُونَ مُؤَدِّيًّا لِلصَّلَاةِ الرَّبَاعِيَّةِ

سفرش در غیر گناه و آنکه باشد اداء کننده برای نماز چهار رکعتی

وَأَنْ يَنْوِيَ الْقَصْرَ مَعَ الْإِحْرَامِ وَأَنْ لَا يَأْتَمَّ بِمُقِيمٍ.

و آنکه نیت کند قصر نماز همراه تکبیره الاحرام و آنکه اقتدا نکند به مقیم.

جمع نماز هنگام بارندگی

يَجُوزُ لِلْمُقِيمِ فِي الْمَطْرِ أَنْ يَجْمَعَ

درست است برای مقیم در بارندگی آنکه جمع کند

بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ وَبَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ

بین [نماز] ظهر و عصر و بین نماز مغرب و عشاء

فِي وَقْتِ الْأُولَى مِنْهُمَا وَيُشْتَرَطُ جَمَاعَةٌ فِي الْمَسْجِدِ.

در وقت [نماز] اولی از آن دو و شرط شده است جماعتی در مسجد.

حق میت بر مسلمانان

يَلْزَمُ فِي الْمَيِّتِ أَرْبَعَةٌ أَشْيَاءُ:

لازم می شود در میت چهار چیز:

۱- غُسْلُهُ ۲- وَتَكْفِينُهُ ۳- وَالصَّلَاةُ عَلَيْهِ ۴- وَدَفْنُهُ.

۱- غسل دادن او ۲- و کفن کردن او ۳- و نماز خواندن بر او ۴- و دفن کردن او

تعزیه به نزدیکان میّت

يُنْدَبُ	تَعْزِيَةٌ	أَقْرَابِ	الْمَيِّتِ	وَيَقُولُ:
سنت می شود	تسلیت گفتن	به نزدیکان	میّت	و می گوید:
«أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَكَ وَأَحْسَنَ عَزَاكَ وَغَفَرَ لِمَيِّتِكَ.»				
«بزرگ گرداند خداوند پاداشت را و نیکو گرداند عزایت و بیامزد میّت را.»				

روش گزاردن نماز میّت

صِفَةُ الصَّلَاةِ عَلَى الْمَيِّتِ:				
صفت نماز بر میّت:				
يَنْوِي وَ يَقُولُ فِي نِيَّتِهِ:				
نیت می کند و می گوید در نیتش:				
«أُصَلِّي أَرْبَعَ تَكْبِيرَاتٍ فَرَضَ الْكِفَايَةَ عَلَى هَذَا الْمَيِّتِ الْحَاضِرِ				
»نماز می گزارم چهار تکبیر فرض کفایه بر این میّت حاضر				
مَأْمُومًا، اللَّهُ أَكْبَرُ.» ثُمَّ يَقْرَأُ الْفَاتِحَةَ بَعْدَ التَّكْبِيرَةِ الْأُولَى				
به عنوان ماموم، الله اکبر.» سپس می خواند فاتحه بعد از تکبیر اول				
ثُمَّ يُكَبِّرُ ثَانِيًا ثُمَّ يُصَلِّي				
سپس تکبیر می گوید تکبیر دوم سپس صلوات می فرستد				
عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ				
بر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ				

ثُمَّ يُكَبِّرُ	ثَالِثًا	ثُمَّ	يَدْعُو	لِلْمَيِّتِ
سپس تکبیر می‌گوید	تکبیر سوم	سپس	دعا می‌کند	برای میّت
وَ أَقْلُهُ:	«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ	وَ ارْحَمَهُ.»		
و کم‌ترین آن:	«خدایا،	بیمرز	برای او	و رحمت کن او را.»
وَيُكَبِّرُ	إِنْ لَمْ يُحْسِنْ	غَيْرَهَا		
و تکرار می‌کند،	اگر	خوب نمی‌داند	غیر آن	
وَ إِنْ كَانَ	الْمَيِّتُ	امْرَأَةً	يَقُولُ:	
و اگر باشد	میّت	زن	می‌گوید:	
«اللَّهُمَّ اغْفِرْ	لَهَا	وَ ارْحَمَهَا.»		
«خدایا،	بیمرز	برای او	و رحمت کن او را.»	
ثُمَّ يُكَبِّرُ	رَابِعًا	ثُمَّ	يَقُولُ:	
سپس تکبیر می‌گوید	تکبیر چهارم	سپس	می‌گوید:	
«اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا	أَجْرَهُ	وَ لَا تَفْتِنَّا	بَعْدَهُ	
«خدایا،	محروم نکن ما را از پاداش او	و به فتنه نینداز ما را	بعد از او	
وَ اغْفِرْ	لَنَا	وَ لَهُ	وَ لِسَائِرِ	الْمُسْلِمِينَ.»
و بیمرز	برای ما	و برای او	و برای سایر	مسلمانان.»
ثُمَّ يُسَلِّمُ	تَسْلِيمَتَيْنِ.			
سپس سلام می‌دهد	دو سلام.			

انواع احكام

الأحكام الخمسة:
احكام پنج است:
١- الواجب: ما يثاب على فعله
١- واجب: آنچه ثواب داده می‌شود بر انجام دادن آن
ويعاقب على تركه.
و کیفر داده می‌شود بر ترک کردن آن.
٢- السنة: ما يثاب على فعله
٢- سنت: آنچه ثواب داده می‌شود بر انجام دادن آن
ولا يعاقب على تركه.
و کیفر داده نمی‌شود بر ترک کردن آن.
٣- المباح: ما لا يثاب على فعله
٣- مباح: آنچه ثواب داده نمی‌شود بر انجام دادن آن
ولا يعاقب على تركه.
و کیفر داده نمی‌شود بر ترک کردن آن.
٤- المكروه: ما يثاب على تركه
٤- مکروه: آنچه ثواب داده می‌شود بر ترک کردن آن
ولا يعاقب على فعله.
و کیفر داده نمی‌شود بر انجام دادن آن.

هـ- الحَرَامُ: ما يُثَابُ عَلَيَّ تَرْكِهِ
هـ- حرام: آنچه ثواب داده می‌شود بر ترک کردن آن
وَ يُعَاقَبُ عَلَيَّ فِعْلِهِ.
و کیفر داده می‌شود بر انجام دادن آن.

فرض عین و فرض کفایه

فَرَضُ الْعَيْنِ: ما يَجِبُ عَلَيَّ كُلِّ مُسْلِمٍ مُكَلَّفٍ إِتْيَانُهُ
فرض عین: آنچه واجب می‌شود بر هر مسلمان مکلفی انجام دادن آن،
مِثْلُ الصَّلَاةِ الْخَمْسِ وَالْجُمُعَةِ.
مانند نمازهای پنج‌گانه و نماز جمعه
فَرَضُ الْكِفَايَةِ: إِذَا فَعَلَ وَاحِدٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ سَقَطَ الْإِثْمُ
فرض کفایه: هرگاه انجام دهد یکی از مسلمانان ساقط می‌شود گناه
عَنِ الْبَاقِينَ مِثْلُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ
از باقی [مسلمانان] مانند امر به معروف و نهی از منکر
وَصَلَاةِ الْجَنَازَةِ.
و نماز جنازه.